

MARVEL

1

SEAN RYAN
NICO LEON
CARLOS LOPEZ

THE WAR OF THE REALMS

SPIDER-MAN

& THE LEAGUE OF REALMS



THE WAR OF THE REALMS

پس از نابودی کامل نه قلمرو از ده قلمرو موهود پادشاه الف های سیاه ملکیت
تهاجمی همه جانبه به آخرین قلمرو یعنی زمین را ترتیب داد.

آزگاری ها و قهرمانان زمین با رشادت کامل در برابر مملات مساب شده ملکیت ایستادگی
کردند، ولی قادر به شکست این بیگانه قدرتمند نبودند. آنها زمین را بین خود تقسیم
کرده بودند و جنگ خود را در چند جبهه پیش می بردند. * ملکیت اروپا را به الف های سیاه
داد، آسیا را به ماسپلهایم، آمریکای شمالی را به غول های یخی، استرالیا به ترول ها
رسید، آمریکای جنوبی به نیفلهایم، قطب جنوب به راکسون و آفریقا نصیب فرشته ها
شد که آن را "بهشت جدید" خواندند. برای ساکنان این سرزمین آن هر چیزی است غیر از بهشت.

* هشدار اسپویل: وقایع این داستان بعد از وقایع "جنگ قلمروها #۴" اتفاق می افتند.

مرد عنکبوتی و گروه قلمروها

written by SEAN RYAN illustrated by NICO LEON

colored by CARLOS LOPEZ lettered by VC's JOE CARAMAGNA

KEN LASHLEY AND BRIAN REBER
cover artists

CULLY HAMNER AND MORRY HOLLOWELL variant cover artists

KATHLEEN WISNESKI NICK LOWE
assistant editor editor

C.B. CEBULSKI JOE QUESADA DAN BUCKLEY ALAN FINE
editor in chief chief creative officer president executive producer

وقتی دشمنی که کل نه قلمرو فرازمینی را تهدید می کرد قیام کرد، گروه قلمروها تشکیل یافت تا با از بین بردن اختلاف های قدیمی خود نیروهای خود را یکجا جمع کنند. این کار ساده ای نبود: گروه قبلا شکست خورده و متواری شده بود و فاقد رهبری قهرمان بود: ثور!... صبر کنید فکر نکردید که...



مرد عنکبوتی و گروه قلمروها:

چرا می جنگیم

قسمت ۱ از ۳

نیمریه.

مممم...
بوی خوبی
می ده.

افتضاحه...



به نظرم
داریم نزدیک
می شیم.

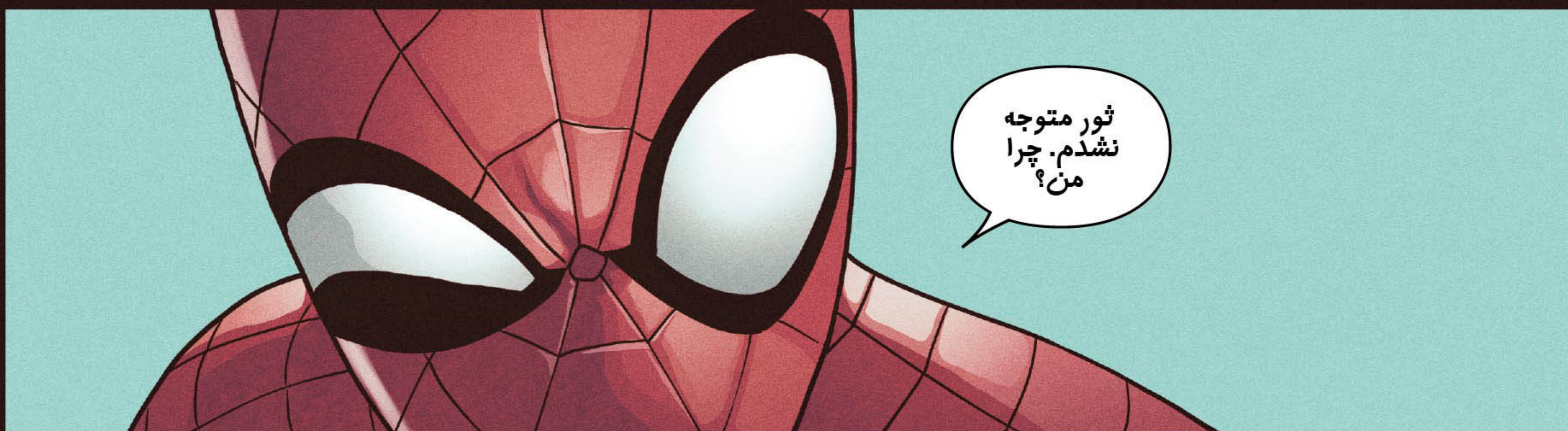
بالاخره! اسکرو ببرد
از انتظار کشیدن
تو این ماشین قراضه
متنفره.

اسکرو ببرد
دنبال خوشنوته.



به نظر
نمی رسه مشکلی
باشه.





ثور متوجه نشدم. چرا من؟



گروه قلمروها جنگجویانی از قلمروهای مختلف داشته. و تو این جنگ که تو میدگارد اتفاق افتاده باید یه نفر از میدگارد اونهارو رهبری کنه.

و تو اصیل ترین اهل میدگارد هستی که من می شناسم.

ممنون...



به من اعتماد کن اسپایدی. این یکی از بزرگترین تحسین هاست.



مطمئنم تو و گروه می تونید به یکی از استحکامات فرشته ها در آفریقا نفوذ کنید و جریان جنگ ما نقش مهمی تو این رو به آرامی به نفع خودمون تغییر بدید.

حالا دیگه باید خداحافظی کنم. همه جنگ داریم.

ولی واقعا تو مطمئنی که در این مورد مطمئنی؟

می دونم می تونم تو جنگ از عهده خودم بر پیام مثل داستان ژوتنهایم* ولی در مورد چیزی که می خواهی انجام بدم...

من یه جنگجو نیستم. من مرد عنکبوتی محله دوستی هستم.

می دونم.

* جنگ قلمروها #۳-۴



به همین دلیل برای این کار عالی هستی.



شهر لاگوس
یه کم جلوتره
مدعنکبوتی.

باشه
خوبه.

پس با حالت مخفی
وارد شهر می شیم و همه مردمی
که تو شهر به دام افتادند نجات می دیم.
در همین بین فرشته ای که مسئول این
جریانه پیدا می کنیم. اسمش
...ام...



وقتی به مرکز شهر
حمله کنیم، به گروه های
دونفری تقسیم می شیم
و کارمونو انجام می دیم.
رو
تو با من بیا.

فرنانده.

درسته فرناند.



مرد الفی...
اسم من
سر هانیشات
از الفحایم.

هانیا سیات
فهمیدم، شما با
دوارف پرسن.

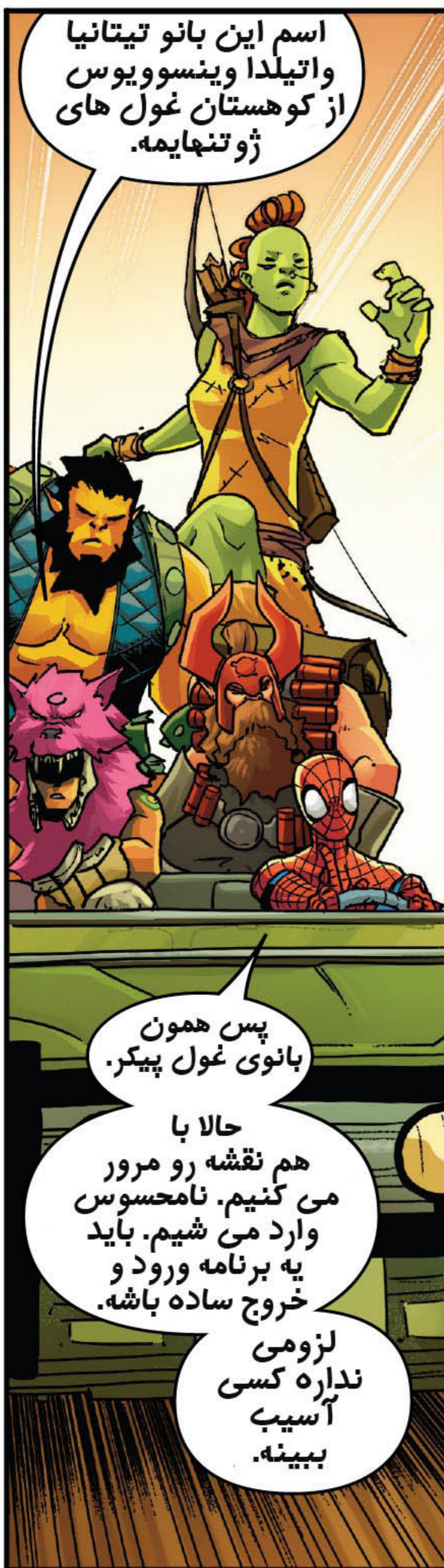
اسکرو پیرد
اهل نیداویلیر
پسر بیگوش...
پسر سرزخمی...



و بالاخره
مرد ترولی..

بخشید..
اسمم
بالاست.

باشه بالا.
شما با خانم
غول پیکر.



اسم این بانو تیتانیا
واتیلدا وینسوویوس
از کوهستان غول های
ژو تنهایمه.

پس همون
بانوی غول پیکر.

حالا با
هم نقشه رو مرور
می کنیم. نامحسوس
وارد می شیم. باید
یه برنامه ورود و
خروج ساده باشه.

لزومی
نداره کسی
آسیب
ببینه.



این که نشد
نقشه! به جاش
باید تا آخرین دونه
این فرشته های
پلید رو از دم
تیغ بگذرونیم.

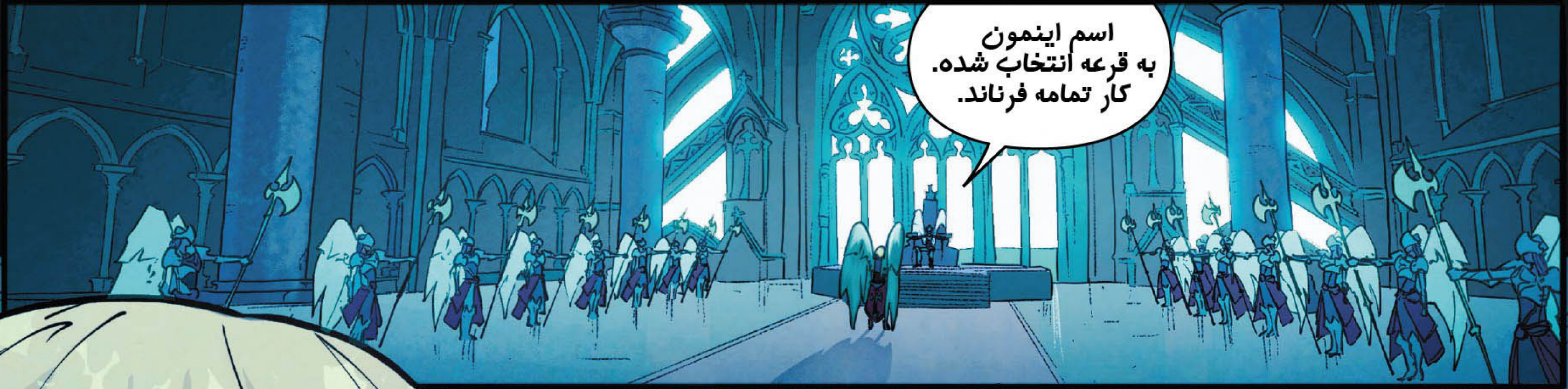
دیدی چه
بلایی سر اون
فیل ها آوردند؟ نباید
پا رو دم این فرشته ها
بذاریم. مگر اینکه
مجبور بشیم.

اولویت با
نجات مردم و پیدا
کردن فرنانده.

”نه.“

لطفاً این کارو نکن.

”بذار من باشم.“



اسم اینمون به قرعه انتخاب شده. کار تمامه فرناند.



ملکه من این بهای خیلی سنگینیه.

کافیه. ملکیت آزرگارد رو بخاطر ما نابود کرد.

به ما قول داده بعد از تموم شدن جنگ سهم ما از سرزمین میدگارد رو بده. این سرزمین می تونه ثروت بی حد و حسابی رو عایدما کنه.

این ثروت تنها موضوع مهمه.





خواهش می‌کنم.
می‌دونم عایدی
این اقدام برای ما
زیاده، ولی ما نمی‌تونیم
این کار رو انجام بدیم.

چرا
که نه؟



چون...

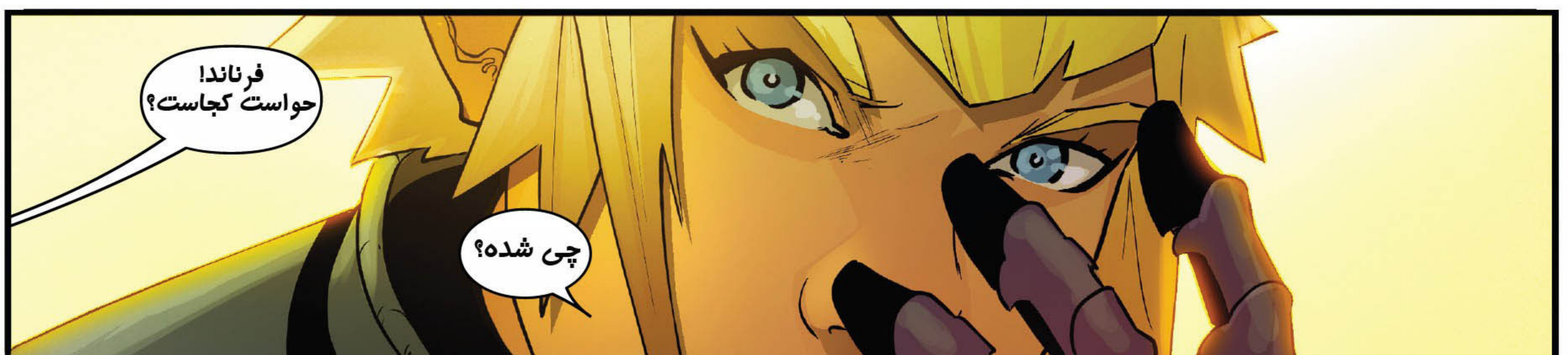


چون...



“چون...”

عادلانہ
نیست.



فرناندا!
حواست کجاست؟

چی شده؟



دیده بان های
ما از حاشیه شهر
خبر دادند که اتومبیلی
در حال نزدیک شدن
به ماست. یه غول، یه
الف و یه ترول...

خدای
کهنی هم
با اونجا
هست؟



گفتند هست.

حتماً
فکر می کنند
نامرئی هستند.

فکر می کنم
جادوی الف سیاه
به یه دردی
می خوره.



بذار فکر
کنند استتار شدند.
بذارید داخل شهر
باشن.

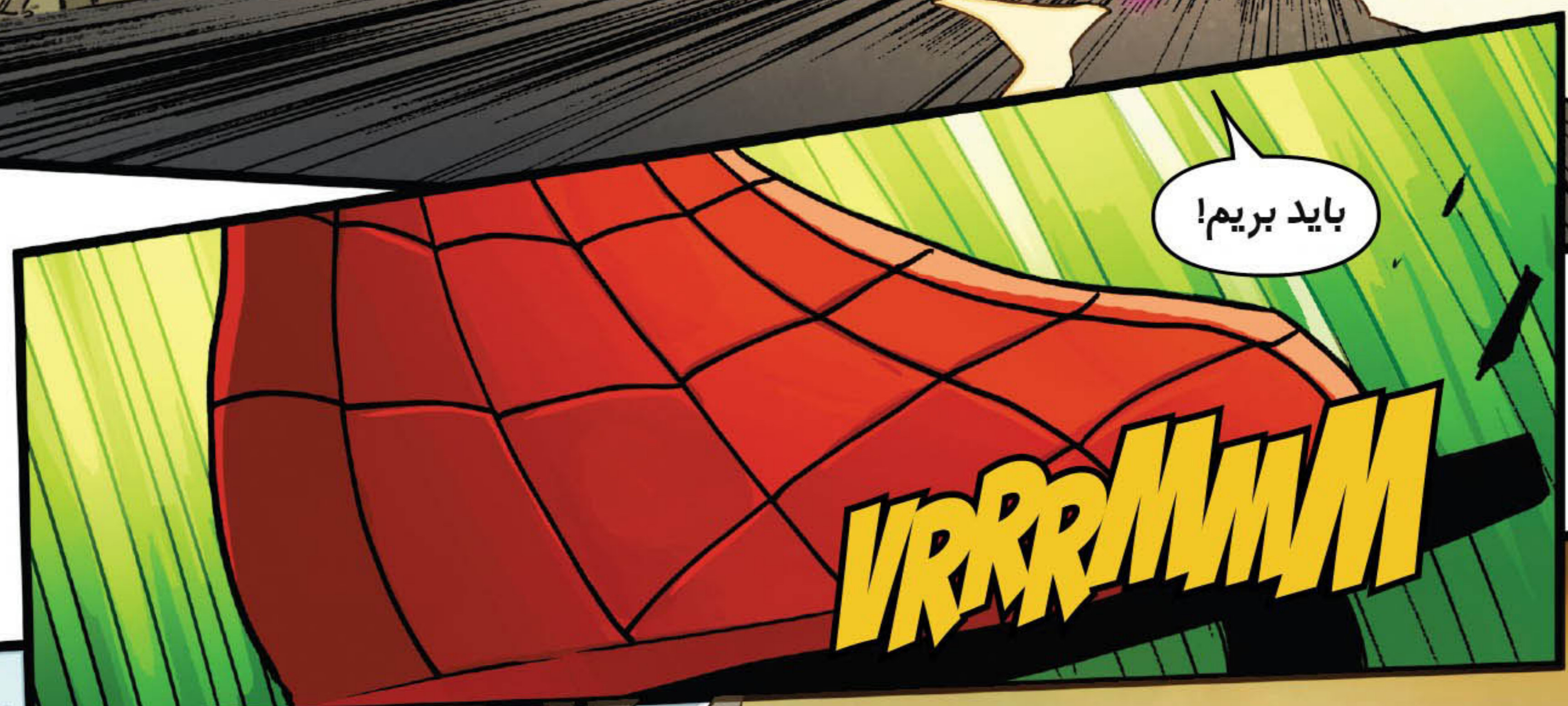
بذارید احساس
امنیت کنند تا
زمانی که محاصره
شدند...

...قلبشون
رو بیرون
می کشیم.





بالاخره!



باید بریم!



اگه لازم بود عقب نشینی کن مرد عنکبوتی.

ما می مونیم و براتون می جنگیم.



بچه ها نه!

نمی تونیم از دستشون فرار کنیم.



ولی باشه. انگار باید جنگید.

خوب از دیدگاه فنی می خواستم از این مهلکه فرار کنم...

اون ماده سفید رنگی که از میچت پرتاب می کنه ظاهراً هیچکدوم از اونها رو نمی کشه.

آره می دونم. من نمی خوام اونها رو بکشم.



خائن!

من آدم ها من فقط... نه! رو نمی کشم.



پس برای چی اومدی اینجا?

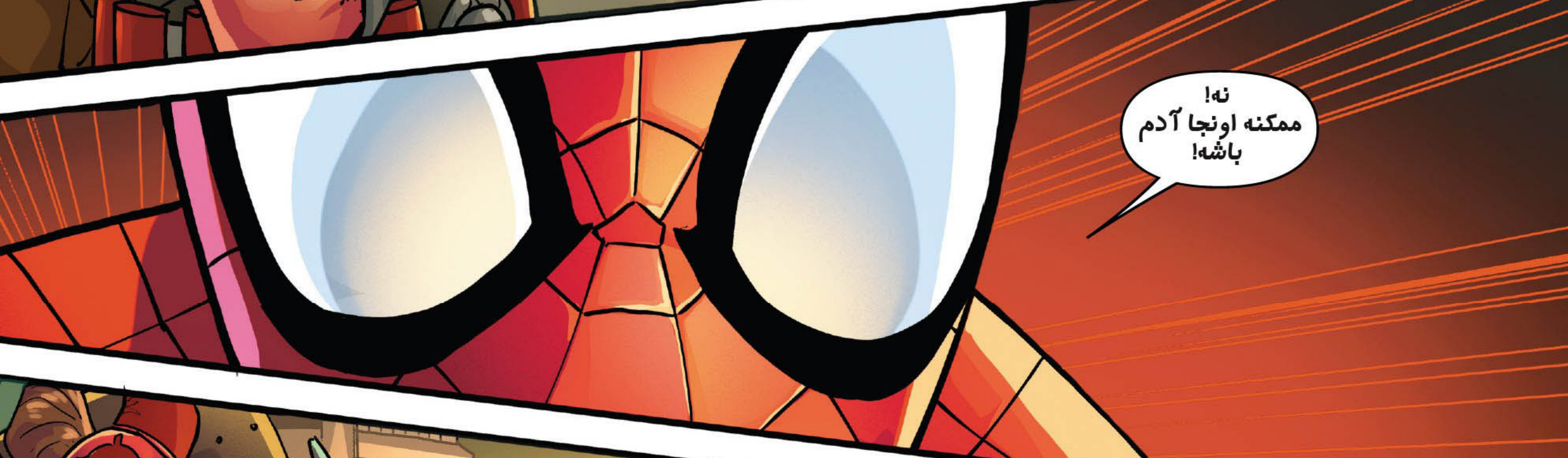


پاتو از جنگ ما بکش بیرون! آره.

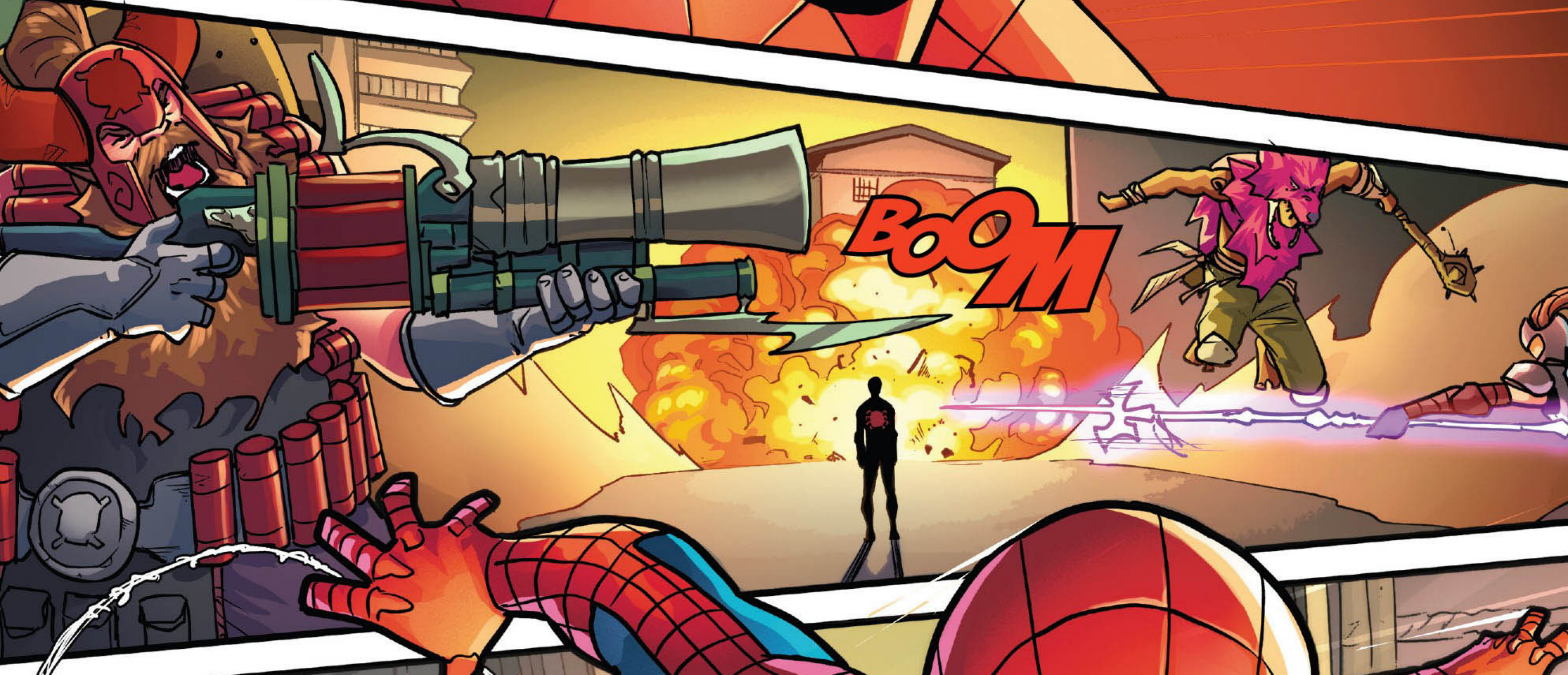
NNF.



انفجار!



نه!
ممکنه اونجا آدم
باشه!

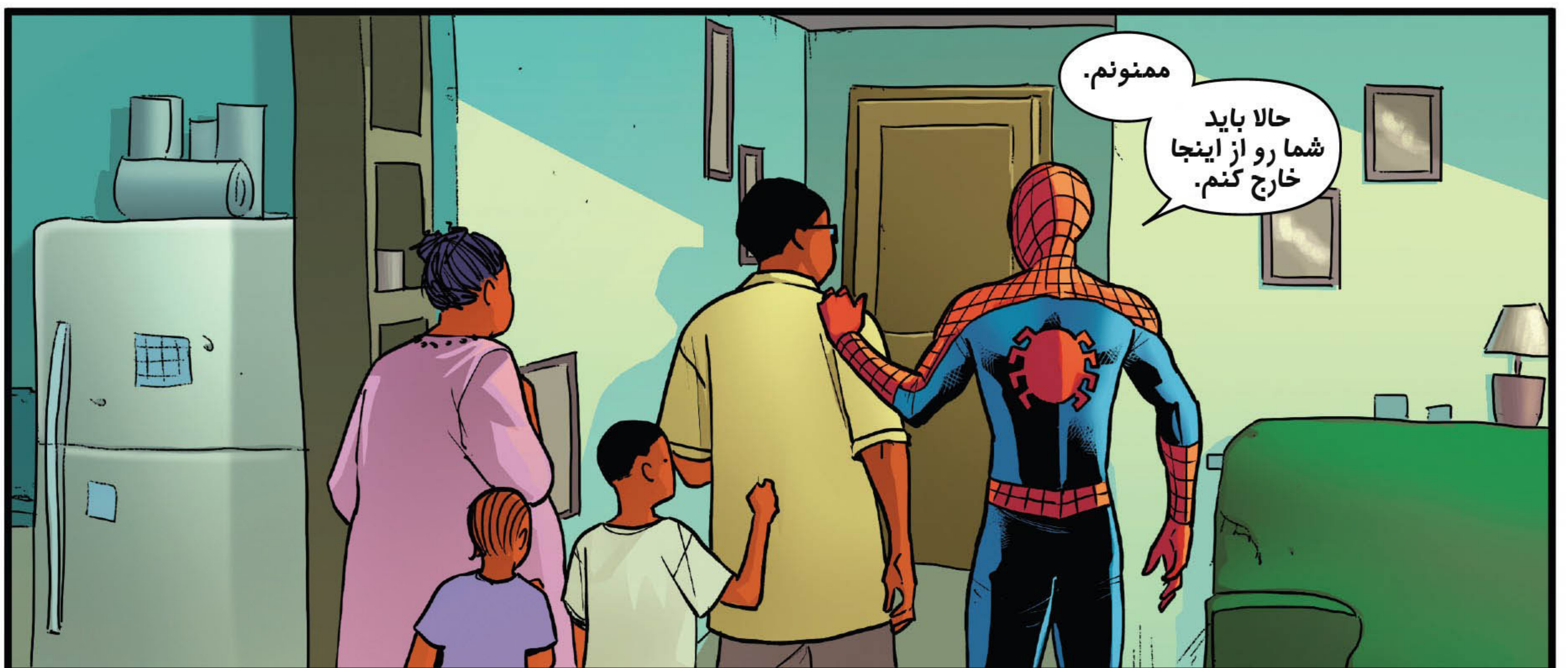
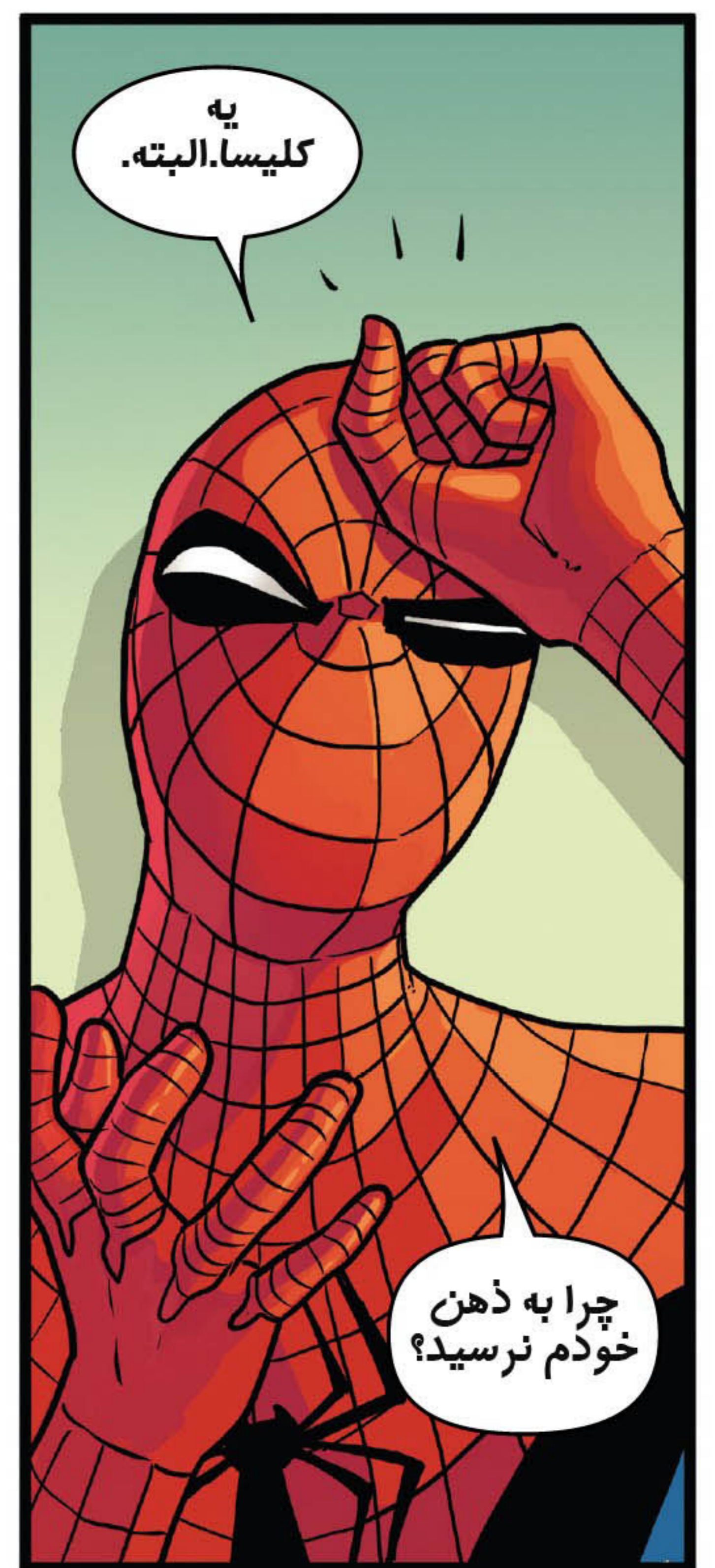


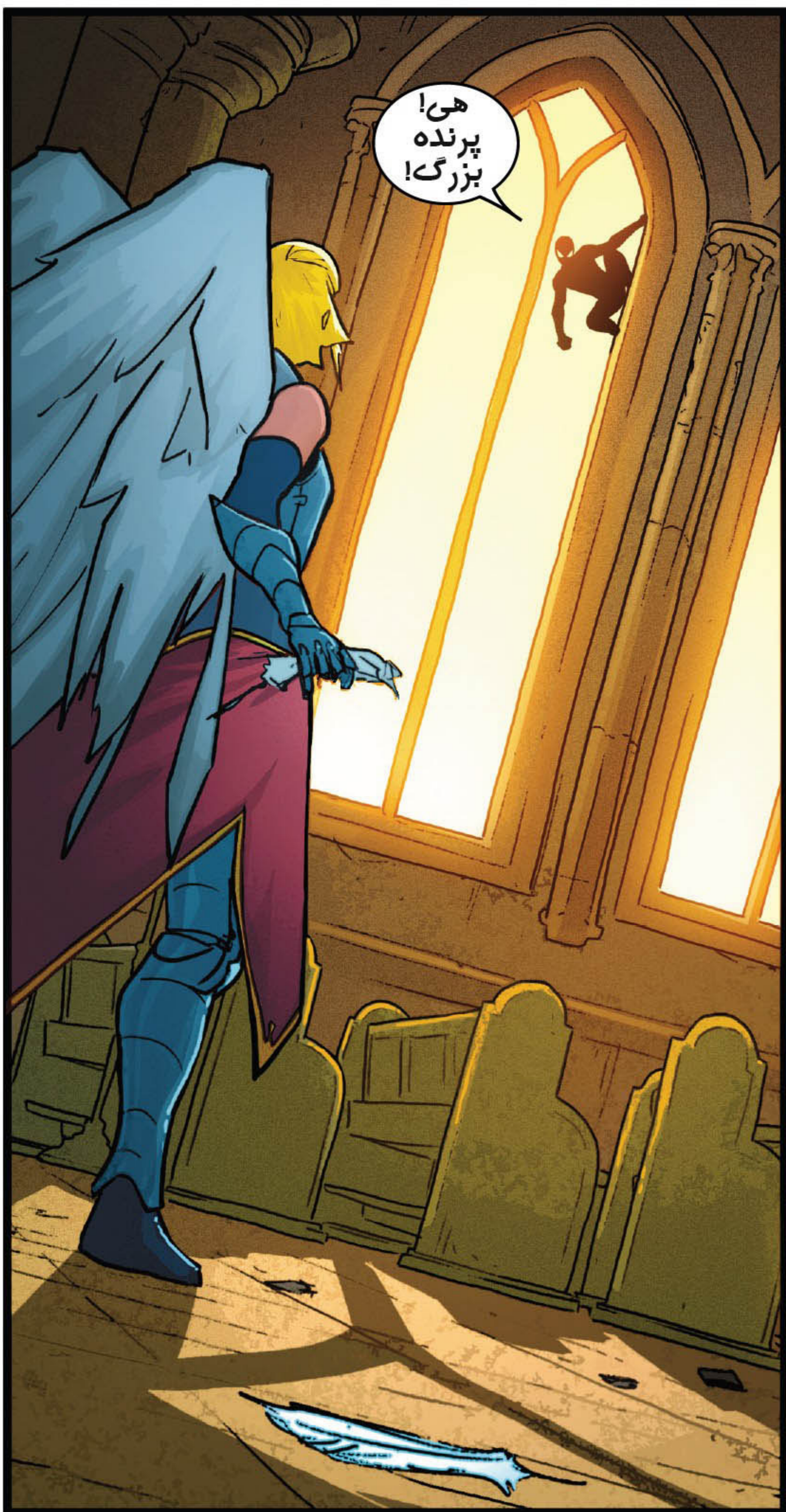
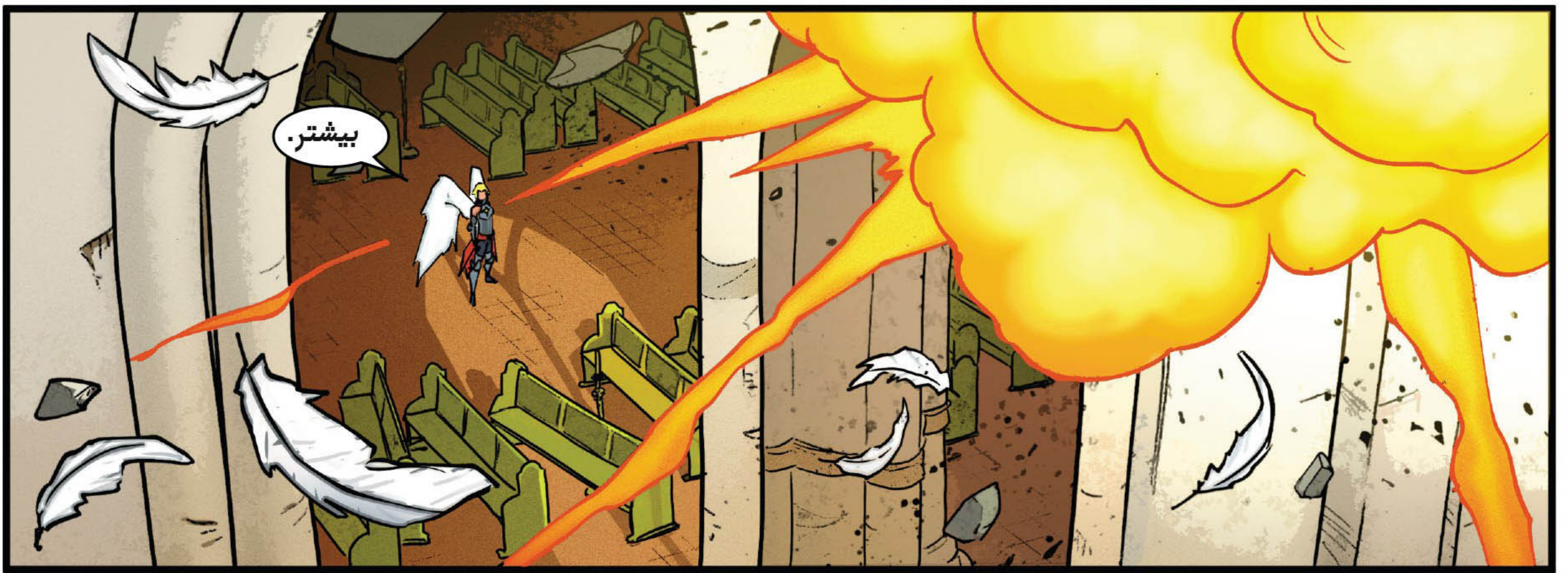
BOOM



احمقها!
برید کنار!







من فرناندم
پلمارک اعظم و در
خدمت ملکه خودم، ملکه
فرشته های جنگجوی
آسمان ها.

من از تولد
به عنوان سرباز
برتر پرورش
یافتم.

در آتش
جنگ های متعدد
آب دیده شدم تا
به سلاحی برتر
تبدیل بشم.

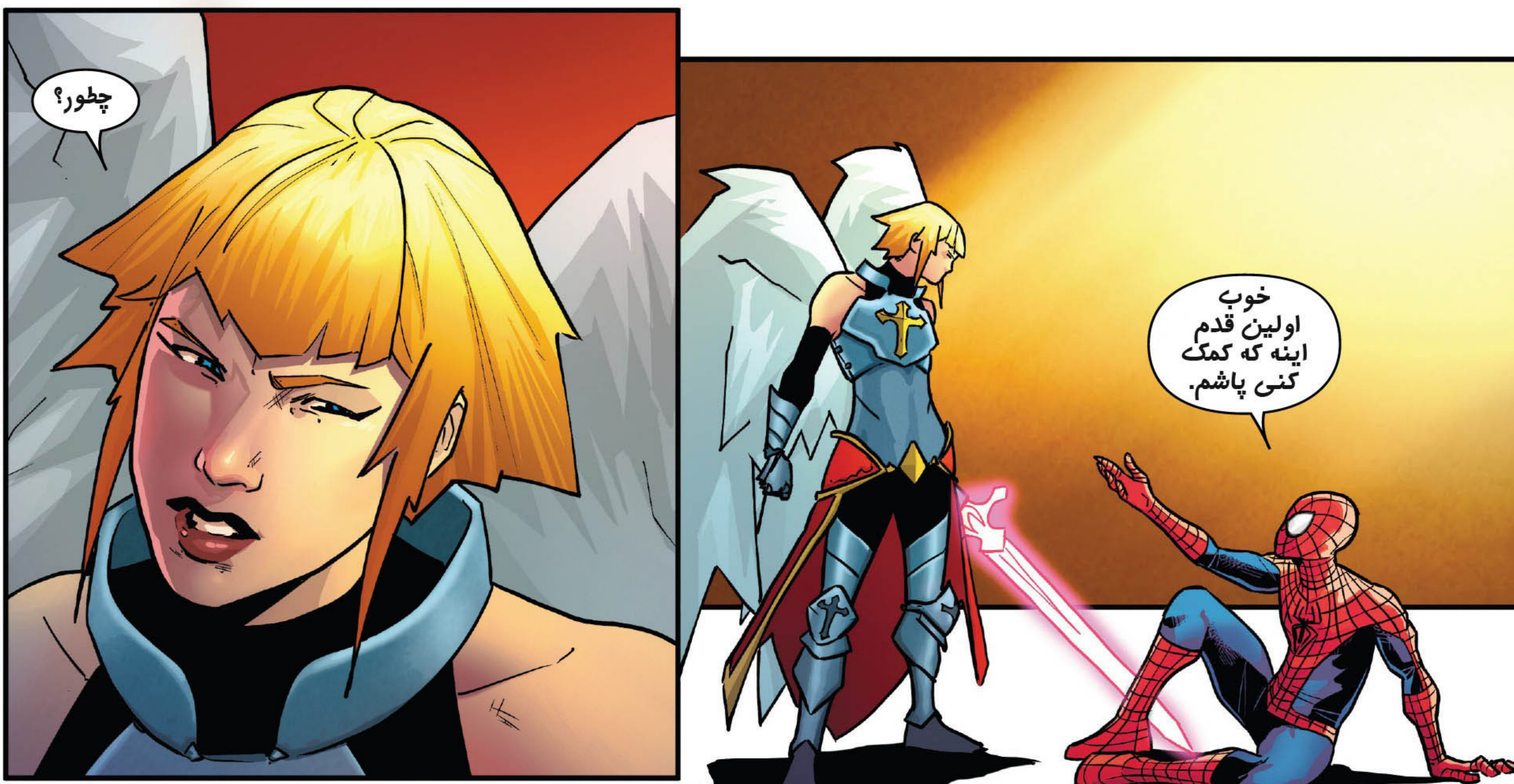
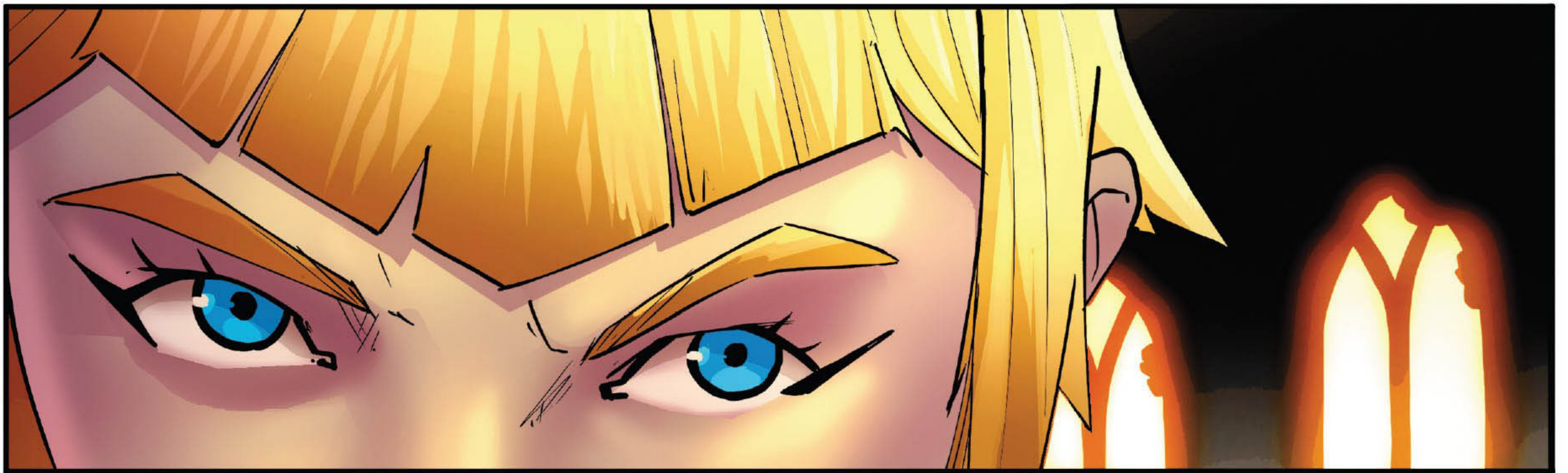
به مبارزه
با تضاد، درد و خونریزی
عادت کردم.

KRNECH

من تجسم
مرگ هستم.

من رو
نمی شه
متوقف
کرد.

خیلی
متاسفم.





صبر کنید!

چی؟



این مخلوقات دشمن ما نیستند.



مرد عنکبوتی حالا چی شده؟



دیپلماسی.



خوشم نیومد.

از این
قضیه خوشم
نیومد.



می دونیم
چرا این
فرشته خیانت
کرد؟



هنوز
مطمئن
نیستیم.

غیر قابل قبوله.



ما این خائن رو دستگیر
می کنیم دلیل این کارشو
جویا می شیم و بعد به روشی
که فقط ما فرشته هامی تونیم
مجازاتش می کنیم.

نه، ملکه
تو کارهای مهمتری
داری.

* مراجعه شود به
Asgardians of the Galaxy #1.



می تونیم
از عهده هر
دو بر بیاییم..

من یکی از
بهترین افسران
خودم رو بی دلیل
بعت ندادم.

بذار
کمکت کنه.

چون اون
نعمتیه...



...و همینطور
تقرین.

ادامه دارد!



SEAN RYAN
NICO LEON
CARLOS LOPEZ

THE WAR OF THE REALMS

SPIDER-MAN

& THE LEAGUE OF REALMS



دورنامه
dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی